

عدالت بر پایه میثاق‌های برآمده: تحلیلی انتقادی از ایده قرارداد اجتماعی اسکرمز

محمدهادی زاهدی وفا^۱

داود منظور^۲

محمد جواد رضائی^۳

چکیده

طی دو دهه اخیر برخی فلاسفه علوم اجتماعی و اقتصاددانان علاقه خویش را به تبیین‌های تکاملی از عدالت نشان داده‌اند. برایان اسکرمز یکی از نوآوران اصلی چنین تبیین‌هایی است. دو اثر مهم وی، یعنی *تکامل قرارداد اجتماعی* (۱۹۹۶) و *شکارگوزن و تکامل ساختار اجتماعی* (۲۰۰۴)، تلاش‌هایی در راستای طرح چنین تبیین‌هایی از عدالت با استفاده از نظریه بازی‌های تکاملی هستند. هدف این مقاله، شرح و ارزیابی چارچوب تحلیلی و مبانی ایده اسکرمز است. از این رو، مقاله بر اساس روش نظری و تحلیلی عناصر بناکننده تلقی اسکرمز از قرارداد اجتماعی را شناسایی کرده و سپس به ارزیابی آن مبانی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اسکرمز در پی طبیعی‌سازی مفاهیمی چون عدالت است؛ پروژه‌ای که با کاستی‌هایی چون تلقی اثباتی از ارزش‌ها و عدم سازگاری درونی روبروست.

کلیدواژه‌ها

فلسفه اخلاق، عدالت، قرارداد اجتماعی، فلسفه سیاسی، نظریه بازی‌های

تکاملی.

۱- دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام Email:Zahedi@isu.ac.ir

۲- دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام Email:Manzoor@isu.ac.ir

۳- دکتری علوم اقتصادی از دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول) Email:J.rezaei@isu.ac.ir

طرح مسأله

به بیان ساده، فلسفه اخلاق به پژوهش حول روایی یا ناروایی، حق یا باطل، درست یا غلط، مطلوب یا نامطلوب بودن افعال، ویژگی‌های شخصیتی یا نتایج انتخاب‌های انسانی می‌پردازد. براین اساس مفاهیمی چون عدالت، حق، آزادی و ... از موضوعات مورد توجه فلاسفه اخلاق بوده که حول آن به نظریه پردازی و ارائه تبیین و گاه تجویز پرداخته‌اند. یکی از رویکردهای مورد توجه در مکاتب و نظریات اخلاقی، رهیافت مبتنی بر قرارداد اجتماعی یا توافق است. رهیافتی که گستره دلالت‌ها و جستارهای شکل گرفته پیرامون آن در حیطه‌هایی چون فلسفه سیاسی و فلسفه اقتصاد قابل توجه بوده و در برخی حوزه‌ها تبدیل به مبنایی برای مطالعات علوم اجتماعی شده است.

می‌توان فراخوانی فضائل یا مقولاتی چون عدالت یا انصاف را وابسته به بروز نوعی تعارض منافع میان افراد تلقی نمود. در وضعیت تعارض منافع یا وابستگی منافع میان انسان‌ها، ایشان همواره به دنبال راهکاری عادلانه برای رفع تعارضات و سامان‌یابی مطلوب تعاملات هستند. ایده توماس هابز (Thomas Hobbes)، که می‌توان وی را از پیشگامان مدرن ایده قرارداد اجتماعی در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی دانست، برخورد از چنین خاستگاهی است. وی در تبیین ایده خویش در باب قرارداد اجتماعی و توجیه نهاد دولت، از توصیف وضع طبیعی و وجود نوعی بی‌سامانی در آن آغاز می‌کند. از آنجا که هر فرد در این وضعیت به دنبال پیگیری منافع شخصی خویش است، بروز نوعی ترس در آن طبیعی به نظر می‌رسد؛ در چنان موقعیتی «آدمیان» در وضعی قرار دارند که جنگ خوانده می‌شود؛ و چنین جنگی همه بر ضد همه است. ... امکانی برای کار و فعالیت نیست، ... ترس دائمی و خطر مرگِ خشونت‌بار [وجود دارد]؛ و زندگی آدمی گسیخته، مسکنت‌بار، زشت، ددمشانه و کوتاه [است] [۱۳۸۰] [۱۶۵۱]: ۱۵۸. « اینجاست که احتیاط حکم می‌کند، افراد مجتمع شده بر اساس قراردادهایی میان خود عمل کنند. برای تضمین اجرای چنین قراردادی نیز لازم است که از قوه فائده‌ای بهره برده شود؛ چه آنکه ... قوانین طبیعی (همچون عدالت، انصاف، ...) به خودی خود و بدون وجود ترس از قدرتی که موجب رعایت آن‌ها گردد، مغایر با امیال طبیعی ماست ... عهد و پیمان‌ها (Covenants) بدون پشتوانه شمشیر تنها حرف‌اند (۱۳۸۰) [۱۶۵۱]: ۱۸۹. »

هرچند این شیوه تحلیل تأثیر بسیاری بر مطالعات فلسفه اخلاق پس از خود گذارده و در همین راستا صریحاً یا تلویحاً مواجهه‌هایی با کلیت یا بخشی از مؤلفه‌های ایده هابز برانگیخته شد. یکی از این مؤلفه‌ها، تمسک به ظاهر حداکثری هابز به دولت است. در مقابل و به پیروی از سنت موجود در رویکرد برخی از فلاسفه و اقتصاددانان - مبنی بر طرفداری از «دولت حداقلی» یا «تأکید بیشتر بر افراد تا دولت» - باید طرحی دیگر در مواجهه با وضعیت «جنگ همه بر ضد

همه» در انداخت؛ طرحی که برای تحلیل پایبندی به اصولی چون انصاف یا عدالت، چنان نیازی به قوه فائقه بیرونی نباشد.

دسته‌ای از فلاسفه اخلاق و حتی عالمان علوم سیاسی و اقتصاددانان برای طرح ایده خویش در باب ماهیت قرارداد یا توافق میان افراد در شرایط بی‌سامانی از یکی از ابزارهای مورد استفاده اقتصاددانان بهره برده‌اند.^۱ نظریه بازی‌ها، همان ابزار مورد استفاده توسط این فلاسفه و اقتصاددانان است. مشخصه موقعیت‌های مورد تحلیل نظریه بازی‌ها آن است که (۱) نتیجه عاید شده برای افراد، نه تنها محصول انتخاب خویش، بلکه متأثر از انتخاب‌های سایر افراد نیز هست. به دیگر بیان در چنین موقعیت‌هایی با نوعی تعامل (Interaction) میان افراد مواجهیم. افزون بر این، (۲) معمولاً در بازی‌ها تنها عوامل تأثیرگذار در نتیجه، همان افراد یا بازیکنان هستند و قوه فائقه یا نهادی بیرونی در آن دست به تصمیم‌گیری یا انتخاب نمی‌زند. همان‌طور که آشکار است این دو ویژگی تناسب بسیاری با شیوه تحلیلی مطلوب عالمان پیش‌گفته برای موضوعی چون قرارداد اجتماعی دارد.

شیوه عمومی مورد استفاده برای تحلیل به کمک ابزارهای نظریه بازی‌ها نیز قابل تفکیک به (۱) مدل‌سازی وضعیت مورد نظر و (۲) تحلیل فرایند گزینش تعادل (Equilibrium Selection) توسط بازیکنان است. برای مدل‌سازی سعی بر آن است که از بازی‌هایی استفاده شود که نزدیک‌ترین قرابت با موقعیت مورد تحلیل را داراست. از آنجا که تعادل را می‌توان مهم‌ترین مفهوم در تحلیل بازی‌ها دانست، نتیجه تحلیل آن بازی‌ها، گزینش نقطه یا نقاط تعادلی یا استراتژی یا استراتژی‌های تعادلی خواهد بود.

در زمینه بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها در قرارداد اجتماعی و بالتبع مفاهیمی چون انصاف و عدالت می‌توان از پیشگامانی چون دیوید لوئیس (David Lewis) و دیوید گوتیر (David Gauthier) نام برد. لوئیس در میثاق‌ها: مطالعه‌ای فلسفی (۲۰۰۲ [۱۹۶۹]) این ایده را مطرح می‌کند که انواع میثاق‌هایی (Conventions) که در زندگی اجتماعی مشاهده می‌شود، راه‌حلی برای مواجهه با موقعیت‌های تعاملی است؛ موقعیت‌های تعاملی که وی از آن به «مسائل هم‌آهنگی (Coordination)» یاد می‌کند. مسائل هم‌آهنگی دامنه وسیعی از

۱. البته بهره‌گیری از ابزارهایی در تحلیل‌های خارج از مرزبندی‌های متداول رشته‌های تعلیمی (Disciplines) امری معمول و مسبوق به سابقه است. در اینجا به پیروی از جان بروم (2015: 90) باید از «نظریه مطلوبیت»، «نظریه انتخاب اجتماعی (Social Choice Theory)» و «نظریه بازی‌ها (Game Theory)» به عنوان نمونه‌هایی از ابزارهای صوری (فرمال) اقتصادی در فلسفه اخلاق یاد کنیم.

موقعیت‌های مورد مطالعه در علوم اجتماعی را در خود جای می‌دهد؛ در چنین موقعیت‌هایی برای دستیابی به منافع مشترک، نیازمند نوعی هم‌آهنگی میان بازیکنان هستیم. در صورت عدم بروز چنین هم‌آهنگی، ممکن است نه تنها بهترین نتیجه برای افراد حاصل نشود حتی می‌تواند منجر به بروز بدترین عایدی برای افراد شود.^۱ گوتیر نیز در *اخلاقیات بر اساس توافق* (۱۹۸۶) متأثر از هابز و با استفاده از نظریه بازی‌ها، سعی داشته که قرارداد اجتماعی را به عنوان محصول انتخاب عقلانی افراد مطرح کند. آنچه در این مقاله مورد نظر قرار می‌گیرد نیز به نوعی پس آمد تلاش‌های نوآوران پیش‌گفته است. برایان اسکرمز (Brian Skyrms)^۲ با استفاده از نوع خاصی از نظریه بازی‌ها به تحلیل پدیده‌ها و مفاهیمی چون هنجارهای اجتماعی و انصاف پرداخته است.

رویکرد این مقاله، نظری و از نوع تحلیل انتقادی است؛ از این‌رو در وهله نخست سراغ تشخیص ساختار استدلالی اسکرمز و نشان دادن مؤلفه‌های اصلی ایده وی خواهیم رفت (بخش دوم مقاله). روش مورد استفاده در این بخش مبتنی بر مجموعه آثار اسکرمز است. مهم‌ترین اثر وی در این حوزه، *تکامل قرارداد اجتماعی* (۱۹۹۶) است؛ کتابی که به نظر برخی زیباترین تبیین از کاربرد پویایی‌های تکاملی به منظور مطالعه تطور درک افراد از انصاف و قراردادهای اجتماعی را ارائه نموده (Bergstrom 2002: 85) و البته پر استنادترین اثر مؤلف نیز هست. تأکید ویژه‌ای بر *شکار گوزن و تکامل ساختار اجتماعی* (۲۰۰۴) نیز مورد نظر خواهد بود. فرضیه مقاله در این بخش از نوع اکتشافی است. به بیانی صریح در این بخش نشان خواهیم داد که اسکرمز با تأکید بر نظریه بازی‌های تکاملی سعی در طرح بنیان‌هایی برای تلقی غیرمتمایزیکی از عدالت و انصاف دارد. پس از آن نیز در پی ارزیابی ایده اسکرمز در باب تبیین تکاملی‌اش از قرارداد اجتماعی خواهیم بود (بخش سوم مقاله)^۳. فرضیه مقاله در این بخش نیز آن است که تحلیل‌های

۱. بازی‌های هم‌آهنگی غیرخالص (Impure Coordination Games) یا معمای زندانی (Prisoner's Dilemma) نمونه‌ای از چنین موقعیت‌هایی هستند.

۲. وی هم اکنون استاد مدرسه علوم اجتماعی دانشگاه کالیفرنیا در اروین (UCI) و نیز استاد فلسفه دانشگاه استنفورد است. ریاست انجمن فلسفه علم (۲۰۰۶-۲۰۰۴) و عضویت در هیأت مدیره موسسه علوم رفتاری ریاضی (Institute for Mathematical Behavioral Sciences) (۱۹۹۸ تاکنون) از جمله سوابق علمی وی است. حوزه پژوهشی وی مطالعه حول تطور میثاق‌های اجتماعی، نظریه تصمیم‌گیری و مبانی احتمالات است.

۳. در مقاله، در غالب موارد از معادل «تکامل» برای «Evolution» بهره برده‌ایم. شایان ذکر است که این معادل همواره ترجمه دقیقی از واژه مربوطه نیست، اما از آن‌رو که ترجمه «تکامل» در زبان فارسی رایج شده است، بر آن تکیه کرده‌ایم.

اسکرمز با دشواری‌های مبنایی و روشی مواجه بوده و عملاً تمسک به ابزار جدید نظریه بازی‌های تکاملی کمکی برای تخفیف این کاستی‌ها نمی‌کند.

هرچند با توجه به مطالب پیش گفته، اهمیت نظری موضوع این پژوهش آشکار شد اما تأکید بر چند جنبه اصلی آن که به نوعی بیانگر نوآوری‌های این تحقیق نیز است، خالی از لطف نخواهد بود. ایده اسکرمز در باب قرارداد اجتماعی، یکی از مجموعه نظریاتی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان تبیین‌های نوین تکاملی از عدالت یا انصاف یاد کرد. ایده‌ها یا نظریاتی که با پیشگامی افرادی چون رابرت ساگدن (Robert Sugden)، هربرت جینتیس (Herbert Gintis) و کنث بینمور (Kenneth Binmore)، منشاء رویکردهای جدیدی در تحلیل موضوعاتی چون «انصاف»، «عدالت»، «میثاق‌های اجتماعی (Social Conventions)» و «هنجارهای اجتماعی (Social Norms)» بوده‌اند. این ایده‌ها، علیرغم مورد توجه بودن در مجامع اقتصادی، علوم سیاسی و فلسفی غیربومی، در متون علمی به زبان فارسی مورد تبیین و بررسی قرار نگرفته‌اند.^۱ (۳) همان‌گونه که خواهیم دید مباحث نوینی چون ایده اسکرمز نشان‌دهنده نوعی میان‌رشتگی در این مطالعات است؛ به دلیل همین ماهیت است که به چنگ آوردن آن‌ها توسط متخصصان یکی از حوزه‌های «فلسفه اخلاق»، «اقتصاد یا نظریه بازی‌ها» یا «علوم سیاسی یا فلسفه سیاسی» با دشواری‌هایی روبروست؛ چه آنکه علیرغم تعلق موضوع مورد مطالعه اسکرمز به فلسفه اخلاق، وی از ابزارهای اقتصادی و نظریه بازی‌ها برای منظور خود بهره برده و البته مدعی تبیین نوعی نظریه اخلاقی تحقیقی نیز هست. به واسطه وجود چنین مشخصاتی است که طرح و بررسی چنین ایده‌ای در ادبیات فلسفه اقتصاد، فلسفه اخلاق یا فلسفه سیاسی به عنوان نوعی نوآوری قابل تلقی است.

۱. تنها به عنوان چند نمونه، برخی از مطالعات در مجلات معتبر فلسفی که به ایده اسکرمز اشاره کرده‌اند، فهرست می‌شوند:

Bicchieri, Cristina (1990). Norms of cooperation." *Ethics* 100, no. 4: 838-861.

Ernst, Zachary (2001). "Explaining the social contract." *The British journal for the philosophy of science* 52, no. 1: 1-24.

Heugens, Pursey PMAR, J. Hans van Oosterhout, and Muel Kaptein (2006). "Foundations and applications for contractualist business ethics." *Journal of Business Ethics* 68, no. 3: 211-228.

Sacconi, Lorenzo (2007). "A social contract account for CSR as an extended model of corporate governance (II): Compliance, reputation and reciprocity." *Journal of business ethics* 75, no. 1: 77-96.

۱. تطور قرارداد اجتماعی

قرارداد اجتماعی برای پیشگامان و توسعه‌دهندگان آن، همچون هابز و رالز، کاربردی از **نظریه انتخاب عقلانی**^۱ است. در *لویاتان*، محروم کردن خود از برخی حقوق برای دستیابی به نوعی توافق، نتیجه انتخاب عقلانی افراد اجتماع است. در اینجا عقل و احتیاط حکم می‌کند که بدین شیوه عمل شود؛ «عقل (Reason) اصول مناسبی برای صلح پیشنهاد می‌کند که آدمیان می‌توانند بر اساس آن‌ها به توافق برسند (۱۳۸۰ [۱۶۵۱]: ۱۶۰)». در یکی از اجزای نظریه عدالت رالز نیز نظریه انتخاب عقلانی مبنای توجیهی گزینش اصول عدالت قرار می‌گیرد.^۲ البته رالز در مقام نوعی جمع‌بندی، به خوبی تصریح کرده است که «این نتیجه اجتناب‌ناپذیر دکتترین قراردادگرایی است که فلسفه اخلاق را به مثابه بخشی از نظریه انتخاب عقلانی می‌پندارد (۲۰۰۵ [۱۹۷۱]: ۱۷۲)». بر این اساس، ترتیبات عادلانه، اخلاقی یا مطلوب همان است که **تصمیم‌گیران عقلانی** در وضع طبیعی بدان دست می‌یابند.

در مقابل رویکرد مسلط در دکتترین قراردادگرایی، اسکرمز سعی دارد بدون توجه به حوزه‌هایی چون نظریه انتخاب عقلانی و صرفاً بر اساس آنچه که در افراد اجتماع قابل مشاهده است، به تحلیل قرارداد اجتماعی دست بزند. به نظر می‌رسد که اسکرمز و اقتصاددانان و فلاسفه هم‌فکر وی مدعی‌اند یا سعی دارند از تمسک به مفاهیم انتزاعی یا تحلیل مفاهیم بر اساس چارچوب‌های متافیزیکی اجتناب ورزند؛ از نظر ایشان، تحلیل اینکه در واقعیت «افراد چگونه بر انواعی از قراردادهای اجتماعی پایبند می‌مانند» مهم‌تر از آن است که با کاوش‌های نظری و بهره‌گیری از نظریه انتخاب عقلانی، ترتیبات عادلانه جامعه یا قراردادهای بایسته را کشف یا توصیه کنیم.

۱,۱ قرارداد اجتماعی و تبیین تطوری از عدالت

برای شروع، ساده‌ترین مسئله در باب عدالت توزیعی را می‌توان در نظر گرفت. می‌توان فرض کرد قرار است که یک کیک میان دو نفر تقسیم شود. همچنین هنوز حقوق مالکیتی راجع

۱. همچون غالب مطالعات اقتصادی و فلسفی، در این مقاله نیز نظریه انتخاب عقلانی (Rational Choice Theory/Theory of Rational Choice) و نظریه تصمیم‌گیری عقلانی (Rational Decision-making Theory) به یک معنا و «انتخاب» و «تصمیم‌گیری» نیز معادل یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند.

۲. منظور، گزینش اصل دوم عدالت مورد نظر رالز است. البته با توجه به مجال این مقاله، امکان وارد شدن به نقدهای وارد آمده بر رالز و نیز دفاع‌های وی راجع به عقلانی بودن «شیوه تصمیم‌گیری فرد مورد نظر رالز در پس پرده جهل» نیست.

به این کیک مورد تصریح قرار نگرفته است؛ البته هر یک تلاش دارند که بیشترین سهم از این منبع بادآورده را تصاحب کنند. این مسئله که البته شکل یک بازی را به خود گرفته، در پی دستیابی به یک تعادل است.

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که تقسیم مساوی کیک میان دو نفر، نتیجهٔ محتمل تعاملات بازیکنان باشد. در اینجا «ما فکر می‌کنیم که پاسخ درست/روا را می‌دانیم. اما چرا آن [راه حل] درست است؟» (Skyrms 1996: 4). در اینجا، دغدغهٔ اصلی اسکرمز نتیجهٔ نهایی چنین بازی‌هایی نیست، وی چگونگی تحلیل دست‌یابی به این نتیجه را پراهمیت‌تر می‌داند. برای اطلاع از شیوهٔ تحلیل نظریهٔ بازی‌های متعارف و نیز شیوهٔ تحلیل مورد نظر اسکرمز در این موقعیت، بر اساس همین بازی، ماتریس پیامدی مربوطه را تشکیل می‌دهیم (جدول ۱). فرض می‌کنیم مجموعه استراتژی‌هایی که دو بازیکن در این بازی می‌توانند اتخاذ کنند یکی از سه نوع استراتژی «فروتنی»، «اعتدال» و «آزمندی» باشد. همچنین می‌توان از هر بازیکن درخواست کرد که سهم مورد نظر خویش از کیک را در برگه‌ای بنویسد؛ در صورتی که مجموع تقاضاهای مطالبه شده توسط دو نفر کوچک‌تر یا مساوی یک باشد، بر همان اساس تقسیم صورت می‌پذیرد و اگر مجموع سهم‌های تقاضا شده بیش از یک باشد، به هیچ یک از بازیکنان سهمی نخواهد رسید.

بر اساس تحلیل‌های متعارف در نظریهٔ بازی‌ها، تقسیم مساوی این کیک میان دو نفر می‌تواند نقطه تعادلی بازی باشد. در چنین وضعیتی می‌توان گفت اگر دو بازیکن استراتژی «مطالبهٔ نیمی از کیک» را برگزینند، به وضعیتی خواهند رسید که هیچ از طرفین با فرض ثبوت استراتژی بازیکن مقابل، تمایلی به تغییر استراتژی خویش ندارد. به نظر می‌رسد در این‌جا به خوبی از تحلیل‌های نظریه بازی‌ها برای توجیه آن‌چه در واقعیت روی می‌دهد استفاده شده؛ اما این همهٔ ماجرا نیست. در این بازی دو نقطهٔ تعادلی دیگر نیز وجود دارد؛ یکی از بازیکنان بر اساس استراتژی آزمندی عمل کرده و بازیکن دیگر استراتژی فروتنی را برگزیند. در این حالت نیز به لحاظ تعریف، با یک تعادل مواجهیم.

افزون بر این، اگر تعداد استراتژی‌های قابل انتخاب توسط بازیکنان را به بیش از سه استراتژی افزایش دهیم، وضعیت بغرنج‌تر خواهد شد؛ اگر x را درصد تقاضا شده از جانب بازیکن در نظر بگیریم، در این حالت همهٔ استراتژی‌های $(x, 100 - x)$ تعادل‌های نش‌اند. تعبیر دیگر این واقعیت آن است که از منظر نظریه بازی‌های متعارف، همهٔ این تعادل‌ها به یک میزان پاسخ خوب یا درست به این مسئله هستند. نتیجه و نکتهٔ مهم در اینجا آن است که مفهوم تعادل نش نمی‌تواند تلقی ما راجع به عدالت را تبیین کند.

جدول ۱ ماتریس پیامدهای بازی مربوط به تسهیم یک کالای تقسیم پذیر

		بازیکن دوم		
		فروتنی (مطالبه یک سوم)	اعتدال (مطالبه نیم)	آزمندی (مطالبه دو سوم)
بازیکن اول	فروتنی (مطالبه یک سوم)			
	اعتدال (مطالبه نیم)			
	آزمندی (مطالبه دو سوم)			

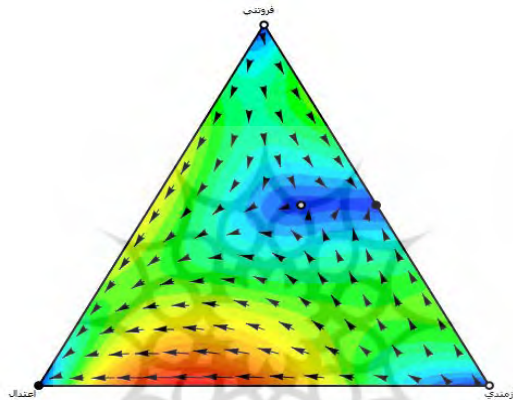
با توجه به رویکرد تبیینی اسکرمز، پرسشی که در اینجا مطرح خواهد شد، آن است که کدام یک از قواعد تسهیم کیک در این بازی عادلانه است؟ به دیگر بیان عمل بر اساس کدام قاعده موجبات دستیابی به یک تعادل می شود. همان طور که دیدیم، نظریه بازی های متعارف در ارائه پاسخ به این پرسش، گامی بیش از این نمی تواند بردارد؛ با یک بازی مواجهیم که سه تعادل داشته که البته نمی توان راجع به چگونگی انتخاب یکی از این تعادل ها اظهار نظر نمود.

اسکرمز سعی می کند با استفاده از نظریه بازی های تکاملی (Evolutionary Game Theory) گامی به جلو برداشته و به تحلیل مسئله، البته با رویکرد تبیینی، بپردازد. آنچه در تحلیل های مبتنی بر نظریه بازی های تکاملی مهم است، مشاهده رفتار خاصی در افراد جمعیت است. در اینجا دیگر خود بازیکنان مهم نیستند؛ به جای انتخاب استراتژی توسط بازیکنان، فرض می شود هر بازیکن صرفاً و همواره بر اساس یکی از استراتژی های مورد نظر عمل کرده و عملاً دست به انتخاب نمی زند. در نظریه بازی های تکاملی گویا با جمعیتی از افراد مواجهیم که یک رفتار خاص در مواجهه با همه موقعیت های پیش رو را از خود بروز داده و به تناسب موفقیت به بار آمده در کسب پیامد، به تولید افرادی از نوع خود دست می زنند.

همان طور که تبیین فوق از شیوه تحلیل در نظریه بازی های تکاملی آشکار می کند و نیز خاستگاه این نظریه نشان می دهد، تناظر بسیاری میان آن و تحلیل های دنیای حیوانات وجود دارد. در دنیای حیوانات، معمولاً رفتارها تبدیل به نوعی جهاز ذهنی شده و می توان برای یک حیوان همواره رفتار یکسانی در مقابل سایر انواع قائل شد. از این رو در اینجا نه با دو یا چند بازیکن تصمیم گیر، که با جمعیتی مواجهیم که سه گونه یا سه نوع رفتار متفاوت در آن امکان ظهور خواهند داشت. با تعریف تابع تناسب (Fitness) برای انواع سه گانه در این بازی، آن هم بر اساس پیامدهای حاصله برای هر یک، به نمودار تغییر ترکیب جمعیتی این سه گونه دست می یابیم (شکل ۱). در این شکل، بر اساس محاسبه پیامد متوسط هر بازیکن در مقایسه با پیامد

متوسط کل جمعیت، کاهش یا افزایش سهم جمعیتی هر نوع مشخص شده است. در اینجا تقاضای نیمی از کیک (رفتار اعتدالی، همان رأس جنوب غربی در شکل ۱)، استراتژی پایدار تطوری است^۱. اسکرمز (۱۹۹۶: ۲۰) این نتیجه - یعنی کشیده شدن ترکیب جمعیتی به جمعیتی از نوع اعتدالی - را به آنچه پرده جهل داروینی (Darwinian Veil of Ignorance) می‌نامد، نسبت می‌دهد.

شکل ۱ تغییر ترکیب جمعیتی سه گونه در موقعیت تصاحب یک کالا را تقسیم‌پذیر؛ (منبع: با استفاده از نرم‌افزار 8.Mathematica ver. و برنامه‌ی Dynamo طراحی شده توسط Sandholm, Dokumaci and Franchetti 2014)



۱,۱,۱ استراتژی‌ها و میثاق‌های همبسته

البته این همه ماجرا نیست. اگر دقت کنیم، بهره‌گیری از تحلیل مبتنی بر نظریه بازی‌ها با خود مشکلات جدیدی به همراه دارد. همان‌طور که اشاره شد، یکی از تعادل‌های پایدار تکاملی در بازی پیش‌گفته هنگامی روی می‌دهد که شاهد وجود یک نوع بازیکن در جمعیت باشیم، یعنی همه بازیکنان از نوع مطالبه‌گران نیمی از کیک بوده که البته در این حالت، در طی زمان بقیه

۱. به بیان دقیق در این بازی با دو استراتژی پایدار تکاملی مواجهیم: (۱) همه جمعیت از نوع اعتدالی باشند و (۲) نیمی از جمعیت از نوع فروتن و نیمی از نوع آزمند باشند. همان‌طور که از پویایی‌های تغییر ترکیب جمعیتی در شکل مربوطه آشکار است، هر چند با دو تعادل پایدار تطوری مواجهیم اما کاسه جاذب (Bassin of Attraction) تعادل نخست بسیار بزرگتر از تعادل دوم است. بنابراین افزون بر اینکه تعداد تعادل‌ها در اینجا در مقایسه با نظریه بازی‌های متعارف کاهش یافته، تصویر درستی از نسبت گرایش به دو استراتژی پایدار تطوری نیز برای ما ارائه خواهد شد. تأکید می‌شود که در اینجا محاسبات مربوط به پیامد معطوف به یک بازیکن نیست بلکه تحلیل‌ها راجع به نوع استراتژی‌ها یا همان گونه‌هاست.

انواع منقرض شده‌اند. اما **تعادل چند ریختی** دیگری نیز داریم که در آن نیمی از جمعیت از نوع آزمند و نیمی از نوع فروتن هستند. بنا به شیوه تحلیلی نظریه بازی‌های تکاملی، در این وضعیت هر بازیکن آزمند به طور تصادفی با بازیکنانی از نوع فروتن و نیز بازیکنانی از گونه خویش (آزمند) مواجه می‌شود (منظور همان وضعیت قابل مشاهده در وسط ضلع سمت راست مثلث در شکل ۱ است). اگر بازیکن آزمند با بازیکنی از نوع فروتن روبرو شود، هر یک بر اساس سهم طلب کننده خویش به بخشی از کیک دست می‌یابند، اما اگر با بازیکنی از نوع خویش روبرو شود، هیچ یک پیامدی کسب نمی‌کنند چرا که مجموع مطالبه شده بیش از یک واحد کیک است. در این حالت که اسکرمز (۱۹۹۶: ۱۳) از آن به «دام چند ریختی» یاد می‌کند، پیامد بازیکنان فروتن همواره یک سوم کیک است، اما پیامد متوسط مکتسبه برای بازیکنان از نوع آزمند نیز یک سوم کیک خواهد بود، چرا که در پنجاه درصد از موارد با هم‌نوع خویش مواجه شده و عایدی کسب نمی‌کند. اسکرمز (۱۹۹۶: ۱۳) از وجود چند ریختی در تعادل‌های پایدار تکاملی به عنوان ناکارایی یاد می‌کند چرا که در حالت مواجهه دو بازیکن از نوع آزمند، از یک مورد بحث بهره‌برداری نشده و به نوعی اتلاف منابع روی می‌دهد.

برای غلبه بر دام چند ریختی، اسکرمز از یک فرض کمکی استفاده می‌کند: «بازیکنان هم‌نوع بیشتر تمایل دارند با یکدیگر تعامل داشته باشند تا با بازیکنانی از نوع دیگر». این فرض را که **همبسته بودن** مواجهه‌های انواع بازیکنان در جمعیت می‌نامد، کمک شایانی به حذف تعادل‌های چند ریختی می‌کند. البته برای منتفع شدن از مزایای این همبستگی، نیاز به وجود همبستگی کامل نیست. اسکرمز با استفاده از شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای نشان می‌دهد که تنها میزان اندکی از همبستگی مثبت میان استراتژی‌ها برای از بین بردن دام چند ریختی کافی است. در نتیجه می‌توان به یک تعادل و آن هم تسهیم مساوی کیک، به عنوان قاعده‌ای منصفانه و

۱. توضیح بیشتر به پیروی از اسکرمز (۱۹۹۴: ۳۱۸، پاورقی) بدین شکل قابل طرح است؛ همچون اسکرمز اگر تصور کنیم که بازیکنان یکی از سه استراتژی زیر را در مسئله تقسیم منابع دارند، S_1 استراتژی مطالبه یک سوم (فروتنی)، S_2 استراتژی مطالبه نیم (اعتدالی) و S_3 استراتژی مطالبه دو سوم منبع مورد نظر (آزمندی) باشد، احتمال مواجهه استراتژی S_i با استراتژی S_j برابر است با

$$P(S_j|S_i) = p(S_j) - \epsilon p(S_j)$$

به همین ترتیب احتمال مواجهه استراتژی S_i با استراتژی از نوع خودش برابر است با:

$$P(S_i|S_i) = p(S_i) + \epsilon p(\text{not} - S_i)$$

اگر $= 0$ باشد مواجهه‌ها غیرهمبسته و اگر $= 1$ باشد، یعنی عبارت نخست برابر ۰ و عبارت دوم برابر با ۱ گردد، مواجهه‌ها کاملاً همبسته هستند.

البته در چارچوب رویکرد تبیینی یا توصیفی دست یافت؛ به بیان رویکرد تکاملی تنها بازیکنانی از نوع اعتدالی بقاء خواهند یافت. البته اگر این همبستگی به شکل کامل باشد، به بیان اسکرمز با نسخه داروینی امر مطلق کانت^۱ مواجه خواهیم شد: «تنها آن گونه عمل کن که اگر دیگران نیز آن طور عمل کردند، تناسب حداکثر شود (۱۹۹۶: ۶۲)».

۱,۲ قرارداد اجتماعی و شکار گوزن

اسکرمز افزون بر تلاش برای تبیین تطور مفهوم عدالت یا ترجمان قرارداد اجتماعی به زبان نظریه بازی‌های تکاملی در تکامل قرارداد اجتماعی (۱۹۹۶)، در شکار گوزن و تطور ساختار اجتماعی (۲۰۰۴) به شیوه‌ای دیگر به طرح ایده طبیعی‌سازی قرارداد اجتماعی می‌پردازد. اسکرمز در ابتدا سعی می‌کند از یک بازی که نماینده خوبی برای موضوع قرارداد اجتماعی باشد، بهره برد. به طور سنتی برای این منظور از بازی معمای زندانی استفاده می‌شود، اما بازی پایه‌ای که اسکرمز در تحلیل قرارداد اجتماعی مورد نظر قرار می‌دهد، بازی شکار گوزن است^۲ (Skyrms 2004: xii). البته به بیان دقیق‌تر، بازی شکار گوزن تمثیل مورد استفاده روسو برای تبیین قرارداد اجتماعی بوده که اسکرمز از آن بهره جسته است (1: Skyrms 2004).

در این بازی، که ماتریس پیامدی آن در جدول ۲ به تصویر کشیده شده است، دستیابی به بیشترین پیامد از رهگذر اتفاق نظر و عمل هر دو بازیکن برای شکار گوزن حاصل می‌شود. در این بازی بازیکنان به تنهایی می‌توانند دست به شکار خرگوش زده و در صید آن موفق شوند، اما برای شکار گوزن نیاز به مشارکت دو بازیکن است. بر اساس این جدول، اگر بازیکن اول خود را برای شکار گوزن مهیا سازد اما بازیکن دوم در پی شکار خرگوش رود، عایدی حاصله برای بازیکن دوم معادل ۳ بوده و بازیکن اول نیز عایدی به دست نخواهد آورد. اینجاست که یکی از ویژگی‌های این بازی آشکار می‌شود: «پیامد شکار خرگوش مطلقاً مستقل از عمل طرف مقابل است.» این ویژگی، شکار خرگوش را استراتژی بدون مخاطره یا غالب ریسکی می‌سازد.

۱. اصل متعالی اخلاقی از نظر کانت که یکی از اشکال تبیین‌اش این گونه است: «تنها بر طبق آیینی عمل کن که با [عمل به] آن [آیین] در عین حال بخواهی که آن قانونی جهانشمول باشد» (Kant 1998: 302).

۲. همان طور که خواهیم دید، به بیان اسکرمز «شکار گوزن، کیفیت ملودرام معمای زندانی را ندارد (2: Skyrms 2004)». در بازی معمای زندانی میان عقلانیت فردی و منافع جمعی تعارض وجود دارد و از این رو دستیابی به همکاری با دشواری بسیار حاصل می‌شود.

جدول ۲ ماتریس پیامدی بازی شکار گوزن (منبع: برگرفته از 32: Skyrms 2001)

		شکارچی ۲	
		گوزن (S)	خرگوش (H)
شکارچی ۱	گوزن (S)	4,4	3,0
	خرگوش (H)	0,3	3,3

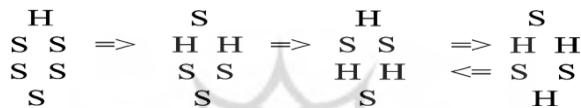
اگر بخواهیم بر اساس تحلیل‌های متداول در نظریه بازی‌ها به تحلیل پردازیم، بر تعادل‌های این بازی متمرکز می‌شویم. این بازی دو مجموعه استراتژی تعادلی خالص نش، یعنی (گوزن، گوزن) و (خرگوش، خرگوش) دارد؛ تعادل نخست که واجد شرط بهینگی پارتو است را غالب پیامدی می‌نامند، چرا که این نقطه تعادلی از نظر عایدی بالاترین منافع را برای بازیکنان به ارمغان می‌آورد. در مقابل تعادل‌های غالب پیامدی، تعادل‌های غالب ریسکی وجود دارند که در اینجا، تعادل (خرگوش، خرگوش) از این نوع است؛ دستیابی به این تعادل از مخاطره کمتری برخوردار است. به دیگر بیان در شرایطی که اطلاعاتی دیگر راجع به ساختار بازی و انتخاب بازیکنان مقابل نداریم، انتخاب استراتژی شکار خرگوش مطمئن‌تر از انتخاب استراتژی شکار گوزن است.

تعادل (خرگوش، خرگوش) را می‌توان مشابه وضع طبیعی هابز در نظر گرفت و تعادل (گوزن، گوزن) را نوعی قرارداد اجتماعی تلقی کرد. تلاش اسکرمز را نیز می‌توان تمرکز بر چگونگی انتقال جامعه از تعادل غالب ریسکی به تعادل غالب پیامدی دانست (Skyrms 9: 2004). پرسش اساسی در اینجا آن خواهد بود که «ما شاهد بروز کدام یک از این نقاط تعادلی هستیم؟» اگر دغدغه تحلیل قرارداد اجتماعی داریم، پرسش اساسی آن خواهد بود که «چگونه از تعادل (خرگوش، خرگوش) به تعادل (گوزن، گوزن) منتقل شویم؟»

اسکرمز در مواجهه با این مسأله و ارائه تحلیل به منظور نزدیک شدن به آن بیان می‌دارد که با دو رویکرد ریشه‌دار در سنت قرارداد اجتماعی می‌توان دست به این کار زد: رویکرد هابزی و رویکرد هیومی (Skyrms 2004: 10). در رویکرد هابزی، تمرکز بر عوامل عقلانی و پیگیر منافع شخصی است. به دیگر بیان ابزار نوین مورد استفاده می‌تواند نظریه بازی‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی بازیکنان، یا همان نظریه بازی‌های متعارف باشد. در این رویکرد آنچه بازیکن عقلانی قصد انجام دارد وابسته به تصورش راجع به آنچه طرف مقابل انجام می‌دهد، است. در چنین حالتی تغییر باورهای فردی راجع به آنچه بازیکن مقابل انجام می‌دهد، موجب تغییر موقعیت به حالت قرارداد اجتماعی خواهد شد؛ اما نظریه بازی‌های متعارف راجع به چگونگی یا

چرایی چنین تغییری چیزی برای گفتن ندارد.

مواجهه با مسئله پیش گفته بر اساس رویکرد هیوم، مستلزم بستری پویا برای تحلیل چگونگی انتقال میان دو تعادل و دستیابی به قرارداد اجتماعی (گوزن، گوزن) است. به بیان اسکرمز، هیوم بر این باور است که هنجارهای اجتماعی به کندی قابل تغییرند. اسکرمز (۲۰۰۴: ۱۰-۱۱) تحلیل مبتنی بر این رویکرد را این گونه آغاز می‌کند؛ پاسخ اینکه «چطور می‌توان به تعادل مربوطه رسید؟» آن است که نمی‌توان چنین تغییر یا تحولی را تضمین کرد. در محدوده مکانی که همه افراد به شکار خرگوش می‌پردازند، شکار خرگوش بیشترین پیامد را داشته و اگر به عنوان شکارچی گوزن به آن‌ها نزدیک شویم، خودبه‌خود متضرر شده و از آن‌ها فاصله می‌گیریم. بر همین اساس مفهوم «مکان» (Location) «اهمیت بسیاری در تحلیل اسکرمز دارد.



رسم توضیحی ۱ تهاجم شکارچی خرگوش (H) به حلقه‌ای از شکارچیان گوزن (S) و تطور انتخاب استراتژی توسط بازیکنان. هر بازیکن در هر مرحله پیامد خویش و همسایگان خود را مشاهده کرده و با فرض ثبوت رفتار همسایگان، استراتژی خویش را در مرحله بعد ابتدأً به بیان خیلی ساده و بر اساس رسم توضیحی ۱، به تبیین مدل مورد نظر اسکرمز راجع به تغییر استراتژی‌های بازیکنان با لحاظ نمودن مؤلفه «مکان» می‌پردازیم. می‌توان فرض کرد که در میان همسایگانی که همه شکارچی گوزن هستند، یک فرد از نوع شکارچی خرگوش ظهور کند^۱. پس از این واقعه، برخی افراد ترغیب خواهند شد که شکار خرگوش را در انتخاب‌های خود مورد توجه قرار دهند. از این رو در دوره دوم ممکن است دو فردی که تاکنون به شکار گوزن می‌پرداختند و در همسایگی فرد مهاجم قرار داشتند، به شکار خرگوش دست بزنند چرا که یکی از همسایه هاشان شکارچی خرگوش و دیگری شکارچی گوزن است. بر اساس ماتریس پیامدی تبیین شده در جدول ۲، آشکار است که احتمال بروز پیامد صفر برای وی موجب تغییر استراتژی می‌شود. در همین دوره شکارچی مهاجم به دلیل وجود دو همسایه شکارچی گوزن تصمیم می‌گیرد انتخاب خود را عوض کند از این رو در دوره دوم و برای کسب عایدی ۴، تغییر استراتژی می‌دهد. البته چون در دوره دوم هر دو همسایه‌اش استراتژی شکار خرگوش را برگزیده‌اند، در دوره سوم استراتژی خود را عوض کرده و به شکار خرگوش روی می‌آورد. این فرایند به همین شکل ادامه می‌یابد و از آنجایی که در این مدل ساده تعداد بازیکنان زوج بوده و

۱. به دلیل تفاوت استراتژی این بازیکن نسبت به سایر بازیکنان می‌توان از آن به بازیکن مهاجم یاد کرد.

مفروضات خاصی حاکم است، به نقطه پایدار خاصی نخواهیم رسید. همان طور که آشکار است، ایده‌آسی اسکرمز، توجه به موقعیت افراد در میان همسایگان و گزینش استراتژی موفق است. در این موارد، وی تبیینی از تطور گزینش تعادل توسط افراد ارائه کرده است.

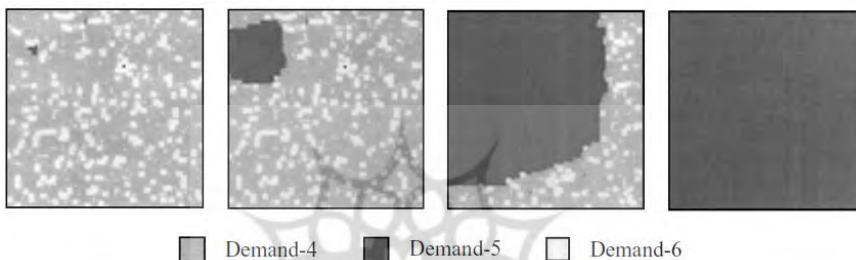
اسکرمز همین رویکرد پویا را در تحلیل بازی چانه‌زنی راجع به تصاحب کیک نیز به کار برده و به نتیجه‌ای مشابه نتیجه پیشین - که بر اساس نظریه بازی‌های تکاملی در شکل ۱ بدان دست یافتیم - رسید. برای ایجاد پویایی در این بازی، اگر فرض شود که هر بازیکن به تقلید رفتار موفق‌ترین همسایه بپردازد، نتایج همگرایی بر اساس شبیه‌سازی انجام شده به شکل جدول ۳ خواهد بود. همان طور که نتایج شبیه‌سازی رایانه‌ای در رسم توضیحی ۲ نشان می‌دهد، به بیان اسکرمز، آشکار است که «عدالت مسری/واگیردار است (Alexander and Skyrms 1999: 594)».

جدول ۳ نتایج مربوط به تکرار ۱۰۰۰۰ مرحله از بازی چانه‌زنی تقسیم کیک، در رویکرد مورد استفاده توسط اسکرمز، رفتار بهینه فردی وابسته به محیط و تنوع همسایه‌هاست. از این رو میان دو نوع تعامل می‌توان تفکیک نمود: تعامل با غریبه‌ها و تعامل با همسایگان. در اولی تعامل میان دو فردی روی می‌دهد که به طور تصادفی از میان جمعیت، انتخاب شده‌اند اما در دومی هر بازیکن، رفتار موفق‌ترین همسایگانش را تقلید می‌کند. پرواضح است که این تقلید، و نه تصمیم‌گیری راجع انتخاب استراتژی، منطقی‌اً این شیوه تحلیل را وارد نظریه بازی‌های تکاملی می‌کند. (منبع: برگرفته از Alexander and Skyrms 1999: 595)

چانه‌زنی با غریبه‌ها	چانه‌زنی با همسایگان	
۰-۱۰۰	۰	
۱۰-۹۰	۰	
۲۰-۸۰	۵۴	
۳۰-۷۰	۵۵۰	
۴۰-۶۰	۲۵۶۰	۲۶
۵۰-۵۰	۶۸۳۳	۹۹۷۲

۱. در تحلیل چانه‌زنی بازیکنانی که یکدیگر را نمی‌شناسند و بحث مکان از اهمیت برخوردار نیست، نتایجی مشابه همین مشاهده شد. در این حالت، به هم‌رسانی دو به دوی بازیکنان به شکل تصادفی صورت می‌گیرد.

با توجه به وجود مؤلفه مکان در تحلیل پویای اسکرمز، اهمیت دو مؤلفه مهم دیگر، یعنی **ارتباط و انجمن شدن** آشکار خواهد بود. وجود ارتباط قبل از هر تعامل میان بازیکنان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در مثال پویای شکار گوزن، شکارچی گوزنی که توسط همسایگانی از نوع شکارچی خرگوش احاطه شده است، مشروط به وجود چنین ارتباطی، خود را رسم توضیحی ۲ پیشرفت تسهیم منصفانه در جمعیتی از بازیکنان. در اینجا ده هزار بازیکن در صفحه شطرنج مانند که با هشت بازیکن در اطراف خود همسایه هستند مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این بازی فرض بر آن است که بازیکنان بهترین استراتژی در میان همسایگان‌شان را در دور بعدی تقلید می‌کنند. (منبع: Alexander & Skyrms, 1999, p. 594)



برای تغییر استراتژی آماده می‌کند. با ایجاد ارتباط و بر اساس سازوکار پویای تغییر استراتژی‌ها که بیان شد، شکل‌گیری شبکه و اجتماعاتی از شکارچیان گوزن دور از انتظار خواهد بود. آنچه که باید راجع به انجمن شدن تأکید شود، این است که منطق قابل قبولی برای آن می‌توان ارائه نمود: بالا بودن لذت یا منافع حاصل از یک تعامل به معنای احتمال بالاتر ملاقات آتی و تکرار آن تعامل است. اسکرمز ضمن تبیین مثالی از شروع تعامل ده فرد بیگانه با یکدیگر، انواع حالات ممکن در این وضعیت را برمی‌شمرد^۱. در نهایت به طور خلاصه، آشکار خواهد شد که این فرایند منجر به دوست‌یابی و دشمن‌یابی‌ها برای فرد می‌شود. نکته آنجاست که ملاقات لذت بخش برای هر دو طرف انگیزه تکرار آن تعامل را موجب شده و به نوعی تبیین‌کننده پایداری شکل‌گیری اجتماع‌های متشکل از بازیکنان مشابه خواهد شد.

بنابراین می‌توان رویکرد تبیینی اسکرمز راجع به قرارداد اجتماعی در شکار گوزن و تکامل ساختار اجتماعی (۲۰۰۴) را این‌طور خلاصه کرد: وی با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی چون مکان، ارتباط و انجمن شدن، توصیفی از چگونگی رفتار تعاملی انسان‌ها را ارائه می‌کند که به زعم خویش نه تنها فاقد ویژگی‌ها و استدلال‌ات متافیزیکی برای درک چپستی انصاف یا عدالت است

۱. به عنوان مثال دو نوع ملاقات نامطبوع را برمی‌شمرد: اینکه ملاقات برای ملاقات‌کننده نامطبوع اما برای میزبان خنثی است یا اینکه ملاقات برای هر دو طرف نامطبوع است (Skyrms 2004: 91).

بلکه به نوعی از عمق بیشتری نسبت به تحلیل‌های متداول نظریه‌های بازی‌ها برخوردار است.

۲. مبانی ایده‌اسکرمز و ارزیابی آن‌ها

پس از تقریر فشرده‌ی چارچوب نظری و استدلال‌ات مطرح شده در مجموعه آثار اسکرمز در تحلیل قرارداد اجتماعی و ماهیت عدالت، در این بخش با تمرکز بر ۴ محور، به برشمردن برخی ویژگی‌ها یا مبانی طرح پیشنهادی وی و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

۲،۱ انسجام مجموعه ایده‌ها در راستای تبیین تطور قرارداد اجتماعی

اسکرمز در مجموعه‌ی آثاری که مورد بررسی قرار دادیم، تلاش داشته که حول ماهیت قرارداد اجتماعی و شکل‌گیری آن با رویکردی تبیینی و نه هنجاری به طرح ایده‌ی خویش بپردازد. اما به نظر می‌رسد مجموعه مطالبی که توسط وی طرح شده از انسجام و به هم پیوستگی قابل قبولی برخوردار نیست. هرچند تلاش اسکرمز به تصریح خویش «... ارائه‌ی یک نظریه‌ی کامل از تطور قرارداد اجتماعی نیست... [بلکه] معرفی برخی عناصر چنین نظریه‌ای است (۲۰۰۴: ۱۰۵)». اما به هر حال انتظار بر آن است این عناصر و شیوه‌های تحلیلی از سازگاری برخوردار باشند. وی در تبیینی که از ماهیت عدالت و در قالب بازی‌های چانه‌زنی برای تصاحب کیک ارائه می‌کند، از نظریه‌ی بازی‌های تکاملی استفاده می‌کند؛ این در حالی است که در استفاده و تحلیل بازی شکار گوزن سعی می‌کند بر پویا کردن تعاملات بر شیوه‌ای دیگر اصرار ورزد. در اولی بر اساس بروز مواجهه‌های تصادفی میان افراد - که البته بعد با فرض همبستگی تعدیل گردید - به پیش رفته اما در دومی با توجه به مکان و نوع همسایگان و فرض انتخاب‌گری بازیکنان تحلیل صورت گرفته است. آنچه واضح است، اینکه این اختلاف در روش تحلیل به یک معنا فراهم آورنده «برخی عناصر یک نظریه‌ی قرارداد اجتماعی» نیست.

البته می‌توان تلاش اسکرمز را «مواجهه با قرارداد اجتماعی از زوایای متفاوت» تلقی کرد. با چنین برداشتی از تحلیل‌های اسکرمز می‌توان اعلام داشت که وی بنا به مفروضات مورد استفاده در مدل‌های تعاملی متفاوت، به طرح نظرهایی تبیینی یا توصیفی در باب قرارداد اجتماعی پرداخته است. بر این پایه امکان دفاع از مجموعه‌ی نظرات وی وجود دارد؛ چه آنکه وقتی پای مدل‌سازی یا ساده‌سازی در قالب بازی‌ها به میان می‌آید، به فراخور ساده‌سازی از برخی ابعاد پیچیده که در واقعیت آن پدیده وجود دارد، صرف‌نظر می‌کنیم. انواع مختلف مدل‌سازی‌ها یا ساده‌سازی‌ها نیز متکی بر مفروضات و شیوه‌های تحلیلی متفاوتی هستند. هرچند احتمالاً تا بدین جا بتوان در دفاع از اسکرمز تلاش کرد، اما سوآلی که پیش خواهد آمد آن است که «آیا به واقع برای تحلیل مفاهیمی چون عدالت و بالتبع قرارداد اجتماعی، استفاده از مدل‌سازی یا ساده‌سازی، آن‌گونه که اسکرمز استفاده کرده، ضرورت دارد؟» این پرسش محور اصلی مورد توجه در محور بعدی است.

۲,۲ تلقی اسکرمز از اخلاق و عدالت و دلالت‌های هنجاری ایده‌اش

یکی از نخستین عکس‌العمل‌هایی که در مواجهه با ایده اسکرمز قابل طرح است، تلقی وی راجع به فلسفه اخلاق و بالتبع عدالت است. از نظر اسکرمز، فلسفه اخلاق، مطالعه انواع ممکن زندگی (۲۰۰۴: ۱۰۹) و نه مطالعه حول انواع بایسته زندگی است. بر همین منوال وی اعلام می‌کند که «فلسفه سیاسی مطالعه آن است که چگونه جوامع ممکن است سازمان یابند (۲۰۰۴: ۱۰۹)».

به نظر می‌رسد تلقی اسکرمز از اخلاق و عدالت، لااقل برخلاف تلقی جریان غالب اندیشمندی باشد که در فلسفه اخلاق شاهدیم. در همین راستا، عدم تأکید اسکرمز بر مؤلفه‌هایی چون بایستگی یا مطلوب بودن منحصر در شیوه تحلیل وی نبوده و آن را به دلالت‌های ایده خویش نیز تسری می‌دهد. اسکرمز در برابر این اصرار مخاطبانش که در نهایت «پروژه تطور قرارداد اجتماعی‌اش، دقیقاً چه ارتباطی با فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی برقرار می‌کند؟» به صراحت اعلام می‌کند در مورد اینکه انسان چگونه باید زندگی کند یا جامعه چگونه باید سازمان یابد، چیزی برای گفتن ندارد (۱۹۹۶: ۱۰۸).

واضح به نظر می‌رسد که اگر قصد ارزیابی از منظر برخی مکاتب اخلاقی همچون نظریه اخلاقی قابل انتساب به اسلام را داشته باشیم، انتقاد قابل توجهی به مبنای اسکرمز در این مقوله وارد می‌آید. به نظر می‌رسد نه تنها براساس آموزه‌های اسلامی راجع به امور روا یا اخلاقی بلکه براساس تلقی عرفی از اخلاق نیز نمی‌توان از بروز یک وضعیت به مثابه مبنای تعیین وضعیت عادلانه یاد کرد. درک انواع مختلف سازمان‌یابی جوامع ما را از علم به شیوه سازمانی‌دهی مطلوب یا عادلانه مستغنی نمی‌کند. چه بسا در موارد بسیاری تلاش برای خروج از وضعیت یا قواعد موجود در جامعه، عملی عادلانه یا اخلاقی تلقی می‌شود. چه بسا انسان بودن انسان یا باورمند بودنش به یک مسلک یا دین مستلزم چنین مواجهه‌هایی با وضعیت موجود باشد.

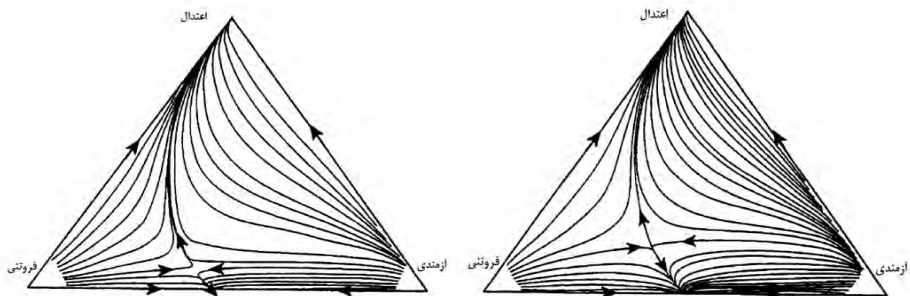
اگر بخواهیم از زاویه‌ای دیگر به این موضوع بنگریم به نظر می‌رسد با توجه به ایده اسکرمز در باب تلقی‌اش از اخلاق، عدالت و قرارداد اجتماعی، نتوان موضعی انتقادی اتخاذ کرد؛ چه آنکه وجود انتقاد نسبت به این موضوع، به اختلاف در تلقی اسکرمز و مخالفانش از عدالت و سایر مفاهیم بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که اگر سطح تبیین میان دو یا چند نظر به این سطح می‌رسد، چندان عرصه برای گفتگو وجود نداشته و به یک معنا چنین اختلافاتی استدلال‌ناپذیرند. با این وجود به نظر می‌رسد نگاه دقیق‌تر به برخی مقدمات و شیوه‌های تحلیل در آثار وی، بیانگر لزوم توجه به ملاک‌هایی هنجاری و انواعی از بایستگی است. اسکرمز علیرغم تبری جویی از ملاک‌های از پیش تعیین شده اخلاقی، وقتی با پدیده‌ای چون چند ریختگی در تعادل‌های پایدار تکاملی مواجه می‌شود از آن به عنوان دام یاد می‌کند، غافل از اینکه به طور ضمنی قائل به

آن شده است که «تعادل تک ریختی بهتر از تعادل چند ریختی است.» این گزاره خود مبتنی بر مفروضاتی راجع به خوبی، روایی، درستی، بهتر، کارا تر یا عادلانه بودن یک وضعیت نسبت به وضعیت دیگر است. همین که وی در مثال دام چند ریختی در توزیع کیک، تلف شدن کیک یا عدم کارایی را نوعی اختلال می داند، بیانگر اعتقاد به معیارهایی چون «کارایی» یا «فایده (Utility)» است، معیارهایی که در سیر استدلالاتش و مبتنی بر رویکرد تبیینی اش مورد استدلال قرار نگرفته و به نوعی معیاری متافیزیکی تلقی می شود. همچنین اگر وی معتقد باشد که باید صرفاً بر اساس آنچه روی می دهد، دست به تحلیل زد، منطقاً نمی تواند فرض همبستگی را برای فرار از دام چند ریختی مطرح کند.

۲,۳ فرض همبستگی

یکی از تغییراتی که اسکرمز در شیوه تحلیلی متعارف در نظریه بازی های تطوری اعمال نمود، جایگزینی «مواجهه تصادفی» بازیکنان با فرض «همبستگی» بود. همان طور که دیدیم وی تحلیل خود در موضوع عدالت توزیعی را بر این فرض استوار نموده که بازیکنان با توجه به نوع دیگر بازیکنان، خویش را در معرض مواجهه با ایشان قرار می دهند: احتمال همجواری بازیکنان آزمند در کنار هم نوعان خویش، مواجهه بازیکنان فروتن با هم نوعان خویش و بازیکنان اعتدالی نیز با یکدیگر بالاتر از مواجهه بازیکنانی از انواع دیگر است. نتیجه بهره گیری از این فرض نیز به طور واضح تر در شکل ۲ به تصویر کشیده شده است.

شکل ۲ تأثیر وارد کردن فرض همبستگی بر نتایج تحلیلی نظریه بازی های تکاملی. شکل سمت راست، بر اساس شیوه معمول در نظریه بازی های تکاملی، خط سیرهای (Trajectories) تغییر ترکیب جمعیتی را نشان می دهد. هر چند مهم ترین تعادل در این وضعیت، در حالت مشاهده جمعیتی از نوع اعتدالی است اما به هر حال با تعادلی دیگر نیز مواجهیم. بر اساس توضیحات مربوط به فرض همبستگی، اگر $e = 0.1$ ، نمودار پویایی های همساز در این بازی به شکل سمت چپ ظاهر شده و به نوعی احتمال بروز تعادل دو ریختی به شدت کاهش می یابد. اسکرمز (1996: 19-20) اندکی بعد با اعمال فرض $e = 0.2$ نشان می دهد که تقریباً تعادل دو ریختی حذف شده و با یک تعادل پایدار تطوری یک ریختی مواجه خواهیم بود. (منبع: برگرفته از 19, 15, 1996: Skyrms)



به نظر می‌رسد این فرض علیرغم ظاهر قابل دفاع خویش، میان‌بُر زیرکانه و شاید فرصت‌طلبانه‌ای از جانب اسکرمز برای دستیابی به توزیع منصفانه‌ی مورد نظر خویش باشد. هنگامی که (۱) قرار بر آن است که یک کیک میان دو نفر تقسیم شود، (۲) اتلاف منابعی نیز روی ندهد و (۳) هر فرد نیز بر اساس مفروضات نظریه‌ی بازی‌های تکاملی به یک شکل معین رفتار می‌کند، پر واضح خواهد بود که هر یک از دو نفر باید مطالبه‌گر اعتدالی در این بازی باشند. به دیگر بیان با توجه به انتقاد پیشین-مبنی بر عدم پایبندی اسکرمز به نظرات خویش در سیر استدلال‌ات خویش و بهره‌گیری از مؤلفه‌های هنجاری- و ورود مقدمه (۲) در این استدلال، خود به خود نتیجه‌ی مربوطه حاصل شده و فرض همبستگی صرفاً برای عدم تصریح به مقدمه (۲) استفاده شده است.

۲,۴ گستره‌ی قابل تصور برای ایده‌ی اسکرمز به عنوان قرارداد اجتماعی

بهره‌گیری از بازی‌های ساده یا مدل‌سازی مفاهیم یا پدیده‌ها بیانگر یک واقعیت مهم است. عناصر تحلیلی مورد تأکید، بیانگر مهم‌ترین ابعاد موضوع مربوطه از نظر مدل‌ساز هستند. اگر در تحلیل قرارداد اجتماعی از ماتریس پیامدی مربوط به بازی شکار گوزن استفاده می‌شود، معنای آن این است که این بازی به خوبی بیانگر واقعیاتی چون «امکان بروز همکاری میان افراد»، «مطمئن‌تر بودن کسب پیامد از طریق رفتار انفرادی» و «بالاتر بودن عایدی همکاری در مقایسه با عایدی عدم همکاری» است.

وجود این واقعیت همان‌گونه که می‌تواند در تحلیل راهگشا باشد، موجب محدود شدن دامنه‌ی بهره‌گیری از آن‌ها نیز می‌شود. به سختی می‌توان با استفاده از تحلیل‌های ارائه شده توسط اسکرمز همه‌ی قواعد یا میثاق‌های اجتماعی ظاهر شده در جوامع بشری را تبیین کرد. اگر اسکرمز دغدغه‌مند چرایی شکل‌گیری روابط و قواعد اجتماعی-آن‌طور که واقعاً در حال مشاهده آن‌هاست- است، باید متوجه گستره‌ی بهره‌گیری از ایده‌ی خویش باشد. به عنوان یک نمونه می‌توان به بازی شکار گوزن و تطبیق آن با واقعیت نظر افکند. علیرغم وجود مشخصات پیش‌گفته راجع به مزایای بهره‌گیری از این بازی، فرض مهمی در ماتریس پیامدی وجود دارد که می‌تواند موجبات دشواری تطبیق‌پذیری تحلیل وی را فراهم آورد. در این بازی فرض شده که افرادی که دست به همکاری می‌زنند، پس از شکار گوزن، عواید حاصله را به **طور مساوی** با یکدیگر تقسیم می‌کنند. این در حالی است که شیوه‌ی تسهیم عواید حاصل از همکاری از اهمیتی انکار ناپذیر برخوردار بوده و اصلاً تضمینی برای تسهیم مساوی آن‌ها نیز وجود ندارد. این اهمیت آن‌گاه جلوه بیشتری می‌یابد که بپذیریم شیوه‌ی تسهیم تعیین‌کننده‌ی تمایل فرد برای همکاری است. نمونه‌ی دیگر، توجه نکردن چارچوب تحلیلی اسکرمز نسبت به مسئله‌ی **سواری مجانی** در جوامع با جمعیت فراوان است. چه بسا ممکن باشد یکی از بازیکنان پس از اعلام موافقت خود با

همکاری یا اقدام به همکاری در دوره های پیشین، حین انجام فعالیت همکارانه مربوطه، تلاش و هزینه متعهد شده را صرف نکرده و در عین حال در نهایت به عنوان یکی از افراد گروه منتفع شود. هرچند این مشخصه برای بازی‌های دونفره کمتر روی داده یا روی نمی‌دهد اما هنگامی که موضوع تعمیم مدل مورد استفاده به فعالیت‌های چندنفره پیش می‌آید، بروز سواری مجانی می‌تواند بسیار محتمل تر باشد. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به عدم تأکید بر دو مؤلفه مهم «امکان بروز تقسیم نامساوی عایدی در بازی همکارانه شکار گوزن» و «عدم توجه به بروز برخی رفتارهای سواری مجانی غیرقابل رصد»، گستره مورد ادعا برای ایده اسکرمز محدود خواهد شد.

نتیجه‌گیری

برایان اسکرمز از ابزارهای جدید برای حل مسئله‌ای قدیمی در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی بهره جسته است؛ اینکه چطور افرادی که در پی منافع شخصی خویش هستند، با یکدیگر هم‌آهنگ شده، از قواعد مشخصی پیروی می‌کنند و چه چیز این رفتارشان را پایدار می‌کند؟ چارچوب تحلیلی اسکرمز در مطالعه قرارداد اجتماعی و تفاوتش با برخی رویکردهای قراردادگرایانه به شکل خلاصه در جدول ۴ مورد اشاره قرار گرفته است.

جدول ۳ مشخصات رویکرد اسکرمز در تقابل با سایر رویکردها در قرارداد اجتماعی. شایان ذکر است موارد سطور ۵ و ۶ به نوعی از دلالت‌های مشخصه سطر ۳ قابل استخراج است. (منبع: جمع‌بندی نتایج مقاله)

در تقابل با ...	مشخصه رویکرد اسکرمز	
تمسک یا توجه به نیروهای فائقه بیرونی؛ همچون هابز	وجود کمترین توجه به نیروهای فائقه بیرونی مانند دولت	۱
رویکرد هنجاری به قرارداد اجتماعی؛ همچون رویکرد رالز در توجیه اصول عدالت با تمسک به نظریه انتخاب عقلانی	رویکرد تبیینی یا توصیفی به قرارداد اجتماعی	۲
بهره‌گیری از ابزارهایی چون «اصول تصمیم‌گیری عقلانی» یا «نظریه بازی‌های متعارف»؛ همچون اصل حداکثرسازی حداقل‌ها یا تعادل نش	بهره‌گیری از ابزارهایی چون «ایجاد تقارن میان تکامل زیستی با تکامل فرهنگی»، «نظریه بازی‌های تکاملی» و جزئیاتی چون «همبستگی»	۳
تأکید بر لزوم توجه به «اصول برآمده از قرارداد اجتماعی» یا «اصول عدالت مستخرج از نوعی توافق» در سامان‌دهی ساختارهای بنیادین	سکوت در باب دلالت‌های توصیه‌ای یا هنجاری نظریه خویش	۴

<p>ترتیبات اقتصادی و سیاسی؛ همچون رالز</p>		
<p>عدم توجه به تغییر ترکیب جمعیتی و تمرکز بر تصمیم‌گیر یا تصمیم‌گیران عقلانی؛ همچون هابز</p>	<p>تمرکز بر تغییر ترکیب جمعیتی بازیکنان برخوردار از استراتژی‌های متفاوت در طی زمان (در تطور قرارداد اجتماعی و موضوع عدالت)</p>	<p>۵</p>
<p>عدم ملاحظه موقعیت مکانی افراد</p>	<p>توجه به موقعیت مکانی افراد و تأثیرپذیری از مجموعه بازیکنان همسایه برای اعطای ویژگی پویایی به تحلیل (در شکار گوزن)</p>	<p>۶</p>

می‌توان پروژه اسکرمز را نوعی طبیعی‌سازی یا زمینی‌سازی مفاهیمی چون عدالت تلقی نمود. در نهایت نیز علیرغم کنکاش‌های نظری و نوآوری‌هایی که اسکرمز در حوزه تحلیل پویا و تبیینی از قرارداد اجتماعی و مفاهیمی چون عدالت ارائه کرده است، باید به وجود برخی رخنه‌های نظری و دشواری‌ها در عرصه تطبیق با واقعیات مورد ادعای اسکرمز و نیز سازگاری با بعضی حقایق مورد ادعای برهی نظریات اخلاقی اذعان داشت؛ کاستی‌هایی چون نوع تلقی وی از اخلاق و عدالت و دشواری‌هایی چون نوع تسهیم عایدی حاصل شده از همکاری و مواجهه با مسأله سواری مجانی.

فهرست منابع

۱. هابز، توماس. (۱۳۸۰ [۱۶۵۱]) *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

1. Alexander, Jason M., and Brian Skyrms (1999) *Bagaining with Neighbors: Is Justice Contagious?* , *The Journal of Philosophy*, 96.11: 588° 98.
 2. Bergstrom, Theodore C. (2002) *Eolution of Social Behavior: Individual and Group Selection* , *Journal of Economic Perspectives*. 16.2: 67° 88.
 3. Broome, John (2015) *Economics and Ethic* , In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)* , (ed. by James D. Wright, Oxford: Elsevier, pp. 87° 92.
 4. Gauthier, David P. (1986) *Morals by agreement*. Oxford: Clarendon.
 5. Kant, Immanuel (1998) *The Foundations of the Metaphysic of Morals* , In *Ethical theory: Classical and contemporary readings*, ed. by Louis P. Pojman, 3rd ed. Belmont CA: Wadsworth Pub. Co, pp. 289° 315.
 6. Lewis, David K. (2002 [1969]) *Convention: A philosophical study*. Oxford: Blackwell.
 7. Rawls, John. (2005 [1971]) *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
 8. Sandholm, William H., E. Dokumaci, and F. Franchetti (2014) *Dynamo: Diagrams for Evolutionary Game Dynamics*.
 9. Skyrms, Brian (1994) *Sexand Justice* , *The Journal of Philosophy*, 91.6: 305° 20.
 10. Skyrms, Brian (1996) *Evolution of the social contract*. Cambridge: Cambridge University Press.
 11. Skyrms, Brian (2001) *The Stag Hunt* , *Proceedings and Addresses of the American Philosophical Association*. 75.2: 31° 41.
- Skyrms, Brian (2004) *The Stag Hunt and the Evolution of Social Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.